

[اختلاف معانی حرفیه و اسمیه 1](#_Toc507571941)

[تفسیر متفاوت شهید صدر از مسلک مرحوم نائینی 1](#_Toc507571942)

[تفسیر اشتباه شهید صدر از کلام مرحوم نائینی 2](#_Toc507571943)

[نقل روایت ایجادی بودن معانی حرفیه از طریق خاصه 2](#_Toc507571944)

[مسلک سوم: وضع حروف برای اخطار معانی ربطی 2](#_Toc507571945)

[رد نظر مرحوم اخوند و مرحوم نائینی 3](#_Toc507571946)

[اشکال مرحوم خویی به عدم واقعیت وجود ربطی 3](#_Toc507571947)

[عدم ارتباط ادعای مرحوم حاج شیخ به حقیقت داشتن و نداشتن وجود ربطی 3](#_Toc507571948)

[اشکالات مهم بر حاج شیخ 4](#_Toc507571949)

[اشکال اول: انکار موضوع له بودن وجود ربطی برای حروف به انکار وجود ذهنی و خارجی 4](#_Toc507571950)

[جواب: عدم دخل وجود ذهنی و خارجی در معنای موضوع له حروف 4](#_Toc507571951)

**موضوع**: مسلک مرحوم اغا ضیا و مرحوم اصفهانی در بیان اختلاف ماهوی معنانی اسمی و حرفی /بحث وضع /مقدمات علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

درجلسه گذشته مسلک مرحوم نائینی بیان شد و ایشان قائلند به اینکه معانی اسمی اخطاری هستند ولی معانی حرفی ایجادی هستند و معانی حرفی چهار رکن دارند1-ایجادی بودن معانی حرفی2-حدوثا و بقاء ایجادی هستند3-در خارج ما بحذاء ندارند4- معانی حرفی مغفول عنه است. استاد فرمود ادعای مرحوم نائینی اولا دلیل ندارد و ثانیا ارتکاز بر خلاف ادعای ایشان است.

# اختلاف معانی حرفیه و اسمیه

## تفسیر متفاوت شهید صدر از مسلک مرحوم نائینی

بحث در مسلک مرحوم نائینی در معنای حرفی تمام شد و محصل فرمایش ایشان این شد که بین معنای حرفی و اسمی اختلاف ماهوی وجود دارد. عرض کردیم بعد از مرحوم نائینی کسی این مسلک را قبول نکرده است همان طوری که مسلک مرحوم اخوند را نیز کسی قبول نکرده است مگر شیخ حسین حلی که مسلک مرحوم اخوند و نائینی را قبول کرده است.

کلمه ای که امروز ان را اضافه میکنیم این است که مرحوم شهید صدر[[1]](#footnote-1) مسلک ایشان را به نحو دیگری بیان میکند و میفرماید منظور مرحوم نائیئی از اینکه میفرماید معانی حروف ایجادیه هستند یعنی ایجاد شده هستند و معانی انها اخطاری هستند مثلا معنای زید را در ذهن خطور میدهیم و معنای دار را نیز در ذهن اخطار میدهیم و بعد میگوییم «زید فی الدار» بعد کلمه فی را وضع میکنیم برای معنایی که ذهن ان را ایجاد کرده است نه اینکه حروف انها را ایجاد کند بر خلاف بعضی از تلامذ ایشان که میگویند خود حروف ان معانی را ایجاد میکند

### تفسیر اشتباه شهید صدر از کلام مرحوم نائینی

صریح کلمات مرحوم نائیئی این است که حرف معنا را ایجاد میکند و وقتی متکلم «زید فی الدار» را میگوید ان نسبت ظرفیه به وسیله حرف فی ایجاد میشود و از طرفی معانی حرفیه را تنظیر به انشائیات میکند با این تفاوت که در انشائیات در مرحله بقاء نیاز به ایجاد ندارند ولی حروف در بقاء نیز نیاز به ایجاد دارند و از طرف دیگری مبنای خودشان را مطابق با روایتی که مضمون ان با ایجادی بودن معانی حروف سازگاری دارد، میکند. همه ی این مطالب کاشف از عدم صحت تفسیر شهید صدر است.

#### نقل روایت ایجادی بودن معانی حرفیه از طریق خاصه

اینکه مرحوم نائینی فرمود روایت «الحرف ما ......» از طریق عامه وارد شده است و دو نقل دارد و روایت «اوجد» قوت مضمون دارد و مطابق با واقع دارد مثل اینکه ایشان به شهرت ان نظر کرده است در حالی که از طریق خاصه نیز نقل شده است و در ان همان روایت مفاد اوجد امده است و بهتر بود به جای اینکه به قوت ومضمون روایت عامه بپردازد به نقل ان از طریق خاصه تمسک میکرد بهتر بود.

## مسلک سوم: وضع حروف برای اخطار معانی ربطی

مرحوم حاج شیخ اصفهانی فرموده است[[2]](#footnote-2) که حروف برای ربطها وضع شده است ایشان وجود را به نفسی و ربطی تقسیم کرده است. وجود نفسی وجودی است که یا فی نفسه لنفسه است مانند جواهر و یا فی نفسه لغیره است مانند اعراض و وجود ربطی وجودی است که نه ماهیت مستقلی دارد و نه وجود مستقلی دارد بلکه وجود و ماهیت ان در ضمن غیر دارد اگر بعضی از تعبیرات ایشان این است که ماهیت ندارد مسامحه است بلکه منظورش ماهیت مستقله است و تنها خداست که ماهیت ندارد. معانی اسمیه معانی هستند که وجود مستقل دارند و اسماء وضع شده اند برای چیزیهای که وجود مستقل دارند مثلا نار وضع شده است برای حقیقتی که وجود فی نفسه دارد وهکذا بیاض. اما حروف وضع شده اند برای وجوداتی که وجود ربطی دارند و با عناوین اسمیه به ان اشاره میشود مثلا با ظرفیت به نسبت ظرفیت اشاره میشود. حروف وضع شده اند برای واقع ربط ولی اسماء وضع شده اند برای صورت های حقیقت های خارجی. حروف برای ربطی که بین دو طرف بر قرار است، وضع شده است نه اینکه ان ربط را ایجاد کند و چون از ان ربط نمیتوانیم تعبیر کنیم حروف را برای ان ربط های متحقق وضع شده است و حروف نمیتواند ان ربط را محقق کند .

## رد نظر مرحوم اخوند و مرحوم نائینی

اینکه صاحب کفایه فرموده است موضوع له اسماء و حروف متحد هستند اشتباه است چون اختلاف ماهوی دارند چون موضوع له حروف معنای ربطی است ولی اسماء برای مفاهیم مستقله وضع شده است. به عبارت دیگر حروف ربط بین مفاهیم را اخطار میکند و اینگونه نیست که برای ایجادی بودن وضع شده باشند مرحوم نائینی نیز که میفرماید معنای انها ایجادی هستند نیز با بیان بالا مردود است.

### اشکال مرحوم خویی به عدم واقعیت وجود ربطی

در محاضرات[[3]](#footnote-3) بحثی را مطرح کرده است و ان این است که ایا وجود ربطی که فلاسفه ان را مطرح کرده اند واقعیت دارد یا ندارد؟ ادله را مطرح کرده است و در نهایت فرموده است که وجود ربطی نداریم وقتی گفته میشود زید در خانه است غیر از وجود زید و خانه و رابطه عرضی بین خانه و زید، وجودی دیگری نداریم پس غیر از وجود اعراض و جواهر وجود دیگری نداریم

#### عدم ارتباط ادعای مرحوم حاج شیخ به حقیقت داشتن و نداشتن وجود ربطی

عرض ما این است که این بحثها ربطی به بحث ما ندارد زیرا حاج شیخ نمیخواهد بگوید که موضوع له حروف وجود ربطی است تا اشکال شود بلکه ایشان میفرماید معانی حروف نسبت هستند و ان را تشبیه میکند به وجود ربطی. حالا میخواهد وجود ربطی حقیقت داشته باشد یا نداشته باشد. یعنی همان طوری که وجود ربطی در ضمن است موضوع له حروف نیز در ضمن است.

## اشکالات مهم بر حاج شیخ

### اشکال اول: انکار موضوع له بودن وجود ربطی برای حروف به انکار وجود ذهنی و خارجی

در محاضرات فرموده است[[4]](#footnote-4): اینکه حروف برای نسبت وضع شده است این نسبت کجاست؟ایا در ذهن است یا در خارج؟ اگر بگویید حروف برای نسبت ذهنی وضع شده است دیگر معنا ندارد که وضع لفظ بشود برای اینکه وجود ذهنی به او بدهد زیرا وجود ذهنی پیدا کرده است مثلا من معنایش ربطی که در ذهن موجود است و دیگر معنا ندارد که برای وجود ربطی در ذهن وضع شود و اگر منظور وجود خارجی است که معقول نیست زیرا وضع برای انتقال است و خارج قابل انتقال به ذهن نیست.

#### جواب: عدم دخل وجود ذهنی و خارجی در معنای موضوع له حروف

مرحوم حاج شیخ اصفهانی موضوع له حروف را موجود نمیداند یعنی ایشان موضوع له حروف را واقعیتی میداند ولی نه به این معنا که موضوع له ان موجودی باشد که یا باید در ذهن باشد و یا در خارج باشد بلکه در عالم خیال نیز باشد کفایت میکند مثلا قبل از اینکه بگوییم «الوجود لله ضروری» یک ربطی بین وجود و الله پیدا میشود و ربطی بین وجود و الله بر قرار کرده ایم و با این کلام از ان وجود خاص خبر میدهیم ولی معنایش این نیست که این ربط یا باید ذهن باشد و یا باید در خارج باشد بلکه به مناسبت تصور ان، در خیال پیدا شده است. و لو اینکه وعاء ان در ذهن است.

1. بحوث فی علم الاصول شهید صدر ج 1 ص 243 [↑](#footnote-ref-1)
2. بحوث فی علم الاصول ج 1 ص 25 [↑](#footnote-ref-2)
3. محاضرات ج 1 ص 73 [↑](#footnote-ref-3)
4. محاضرات ج 1 ص 74 [↑](#footnote-ref-4)